جايگاه زنان در "جهاني شدن" و "بيداري اسلامي"

جايگاه زنان در "جهاني شدن" و "بيداري اسلامي"

زينب محمد عيسي

بنام خداوند بخشنده مهربان

جايگاه زنان در : [پروژه] "جهاني شدن" و بيداري اسلامي

پيگيري مطالعات و مكانيسم‌ها و برنامه‌هايي كه هدف از آنها ارتقاي شأن زنان در دو بعد بين‌المللي و محلي است نشانگر ميزان ارتباط مسئله زن با تحولات بزرگ بين‌المللي برگرفته از زيرساخت‌هاي اقتصادي و اجتماعي و فرهنگي با شكل‌گيري پديده "جهاني شدن" ـ كه جهانيان پس از سقوط و فروپاشي اتحاد شوروي در سال 1990م. شاهد آن بودند ـ است. پديده‌اي كه توجه علما و پژوهشگران را بخود جلب كرد و در دوران كنوني به موضوع بحث‌هاي داغ در گفتمان‌هاي سياسي، اجتماعي و ديني تبديل شد زيرا در واقعيت‌هاي اجتماعي و فرهنگي جوامع استقبال كننده از آن، خلل‌هايي ايجاد كرد.

بنابراين "جهاني شدن" كه مي‌كوشد آينده را شكل دهد و فرهنگ ويژه‌اي را بسازد كه در خدمت اهداف آن در شكل‌گيري منظومه رفتاري، ارزشي و گرايشي و روابطي باشد، توانست جوامع سنتي عربي و اسلامي را درنوردد و آنها را وارد كارزار فرهنگي و تمدني سازد. اين امر به وقوع برخوردها و درگيري‌هايي در بعد ارزش‌ها و هويت و مرجعيت ديني آن جوامع، انجاميد.

جهاني شدني كه فرصت‌هاي گشودگي در برابر جهان باز را فراهم مي‌كند، در عين حال امكان تباهي و عزلت و گسست از تاريخ و محدوده جغرافيايي را كه چارچوب هويت را تشكيل مي‌دهند نيز فراهم مي‌آورد. بنابراين "جهاني شدن" نيروي سترگي در ساخت جهاني پيشرفته است كه هدفش رفاه اقتصادي است.

از سوي ديگر جهاني شدن يكي از منابع و سرچشمه‌هاي بيماري معاصر هم بشمار مي‌رود زيرا در زمينه خلاء اخلاقي و آنجا كه موفقيت و ناكامي تنها معيار رفتار انسانها بشمار مي‌رود و خودخواهي‌ها حرف آخر را مي‌زنند و يكه‌تازي افراد از هر چيزي مهمتر است، حضور دارد. اين بيماري، بافت جوامع انساني و در رأس آنها خانواده يعني مرد و زن و فرزندان را تضعيف مي‌كند.

در ابتداي دهه هشتاد قرن گذشته، توجه زيادي به مسئله زنان شد و اين موضوع در صحنه عمومي اجتماعي، فرهنگي و سياسي، جاي مهمي را به خود اختصاص داد و در دو بعد بين‌المللي و محلي نيز توجه فوق‌العاده‌اي را بخود جلب كرد. سازمان ملل متحد طي دو دهه آخر قرن گذشته چهار نشست جهاني براي زن برگزار كرد. مجمع عمومي سازمان ملل متحد نيز سال 1975م. را سال جهاني زن درنظر گرفت. در همان سال اولين كنفرانس جهاني مربوط به زن در مكزيک و با عنوان "برابري، توسعه و صلح" برگزار گرديد. اين كنفرانس اعلاميه دهه بعد يعني سالهاي 1976 تا 1985م. را (دهه سازمان ملل متحد براي زن) به تصويب رساند تا طي آن كوشش‌هاي جهاني در جهت مطالعه موقعيت زن و حقوق آن و مشاركتش در روند تصميم‌گيري در همه سطوح، صورت پذيرد. در هيجدهم دسامبر 1979م. مجمع عمومي سازمان ملل متحد موافقتنامه رفع هرگونه تبعيض عليه زنان را از تصويب گذراند. اين توافقنامه در اول سپتامبر 1981م. قابليت اجرايي پيدا كرد و معيارهاي بين‌المللي براي برابري زن و مرد درنظر گرفته شد.

در سال 1980م. سازمان ملل متحد دومين كنفرانس مربوط به زنان را در كوپنهاک (دانمارک) در جهت ارزيابي دستاوردها و بحث و بررسي موانع و مشكلات و اتخاذ گام‌هاي ضروري براي برطرف ساختن آنها برگزار كرد. در سال 1985م. به عنوان پايان نخستين دهه، در نايروبي كنفرانس جهاني طرح و ارزيابي دستاوردهاي يک دهه سازمان ملل متحد با عنوان: "برابري، توسعه و صلح" برگزار شد. در اين كنفرانس استراتژي‌هاي پيشبرد حقوق زنان مورد تصويب قرار گرفت و قرار شد تا پايان سال 2000م.، همه آنها به مورد اجرا گذارده شوند و كشورها نيز تشويق و ترغيب شدند، تدابير اجرايي لازم در جهت تحقق برابري زنان و مردم به لحاظ فرصت‌ها و امكانات مشاركت را اتخاذ كنند و قوانيني در جهت تحكيم برابري فرصت‌ها و اجراي اين قوانين تدوين نمايند. در سال 1995م. سازمان ملل متحد در پكن چهارمين كنفرانس جهاني مربوط به زن را برگزار كرد؛ در اين كنفرانس، استراتژي‌هاي پيشين مورد ارزيابي قرار گرفتند. كنفرانس ياد شده اعلاميه و آيين عمل "پكن" را مورد تصويب قرار داد. در اين اعلاميه، چهار عرصه به عرصه‌هاي مربوط به استراتژي نايروبي افزوده شد و مجموعاً شامل: تقسيم قدرت، مكانيسم‌هاي ملي پيشرفت زنان و پاي‌بندي به حقوق زنان، فقر و مشاركت اقتصادي و بهره‌مندي از آموزش و خدمات بهداشتي، كار مزدوري، خشونت عليه زنان و پيامدهاي درگيري‌هاي مسلحانه بر زنان و زنان پناهنده و زنان بازگشته و زنان فراري، زنان و رسانه‌هاي گروهي، زنان و محيط زيست، كودک و آموزش شدند.

اين كنفرانس با برانگيختن شماري از مسايل جنجال‌برانگيز متمايز شد. برخي از اين مسايل مستلزم شهامت بودتا براي نخستين بار در يک محفل بين‌المللي مطرح مي‌گرديد پيشاپيش اين مسايل كه ديدگاههاي گوناگوني پيرامون آن مطرح شد مفهوم اعتبارهاي مترتب بر نوع جنس، انصاف و برابري، و

بهداشت جنسي و سقوط جنين غيرقانوني، حقوق، تمايلات جنسي و چارچوب خانواده و شكل آن، برابري در حقوق و ارث در دختران، حقوق جنسي، حقوق والدين و راهنمايي و ارشاد و غيره. از جمله نمونه‌هاي موضوع‌هاي ياد شده بود. كشورهاي عربي و اسلامي شركت‌كننده در اين كنفرانس در مورد برخي از اين بندها، و بويژه بندهايي كه قوانين يا حاكميت و سنت‌ها و باورهاي فرهنگي ديني يا شريعت اسلامي را نقض مي‌كرد، تحفظهايي داشتند.

اين كنفرانس‌هاي بين‌المللي در كنار كنفرانس‌هاي بين‌المللي جمعيت و توسعه (قاهره 1994م.) تأثير بسزايي در شكل‌گيري و بروز و توسعه سازمانها و جنبش‌هاي زنان و در تبلور ديدگاهها و استراتژي‌هاي آن در راستاي اجراي اهداف موردنظر قطعنامه‌هاي سازمان ملل و درخصوص مطالبه برابري كامل ميان دو جنس و پياده كردن توافقنامه پايان بخشيدن به تمامي انواع تبعيض عليه زنان (سيداو) بجاي گذاشت. در اين ميان در سال 2002م. سازمان زنان عرب زير چتر اتحاديه كشورهاي عربي تأسيس شد. كميته زنان به عنوان هيئتي فرعي وابسته به كميته اقتصادي و اجتماعي غرب آسيا (اسكو) نيز تأسيس يافت. در بعد غير دولتي و در چارچوب شبكه‌ها و اتحاديه‌هاي عربي مركز زنان عرب براي آموزش و پژوهش (كوتر) و "شبكه رسانه‌اي عايشه" نيز تأسيس گرديد. سپس اعلاميه بيروت براي زنان عرب ده سال پس از اعلاميه پكن صادر شد؛ در اين اعلاميه چارچوب كلي و خطوط اصلي حقوق مربوط به زنان و پيشبرد آنها در دهه آينده قرن بيست و يكم براي كشورهاي عربي و دولت‌ها و سازمانهاي غيردولتي، صادر گرديد.

بدين ترتيب موضوع زن به حركتي اجتماعي و بمثابه فعاليتي اجتماعي با توجه به چالش‌هايي كه وجود دارد و كوششي براي تحقق خواستهاي استراتژيكي كه ضامن از ميان بردن تبعيض و نابرابري ميان زنان و مردمان در عرصه‌هاي گوناگون زندگي و فراهم آوردن محيط مناسبي براي زنان در بناي توانايي‌هاي توليدي و خلاقانه آنها، تبديل گرديد.

بدين ترتيب موضوع زن به حركتي اجتماعي و بمثابه فعاليتي اجتماعي با توجه به چالش‌هايي كه وجود دارد و كوششي براي تحقق خواستهاي استراتژيكي كه ضامن از ميان بردن تبعيض و نابرابري ميان زنان و مردمان در عرصه‌هاي گوناگون زندگي و فراهم آوردن محيط مناسبي براي زنان در بناي توانايي‌هاي توليدي و خلاقانه آنها، تبديل گرديد.

اين فعاليت‌ها از ميزاني از نظم و تداوم و توانايي ايجاد تغييرات موردنظر برخوردار است و بدين ترتيب، نزديكي‌هايي با تعريف‌هاي مطرح ار جنبش‌هاي اجتماعي از جمله تعريف "Gold" و "Golbe" به عنوان كوشش‌هاي مستمر مجموعه‌اي از افراد به منظور تحقق منافع مشتركي براي همه اعضاي آنها و تعريف "Hess" به عنوان (كوشش‌هايي سازمان يافته براي ايجاد تغييرات اجتماعي يا ممانعت از ايجاد هرگونه تغيير) پيدا مي كند. همه آنها كوشش‌ها و تلاش‌هايي براي گردآوري افراد به گرد اين ديدگاهها يا تشكيل سازمانهاي رسمي براي تحقق آن اهداف يا عقد پيمانها و ائتلاف‌هايي با سازمانهاي

ديگر به همين منظور است.»[1] ولي تعريف "touraine Alain" از برجسته‌ترين پژوهشگران جنبش‌هاي اجتماعي دانشجويي، كارگري و زنان، به همجوشي ميان سه اصل اساسي يعني : اصل هويت جنبش (يعني منافعي كه حركت اجتماعي مي‌كوشد از آنها دفاع كند از جمله جنبش‌هاي زنان كه براي آزادي زنان فعاليت مي‌كنند.) و اصل نيروهاي دشمن (يعني نيروهاي دشمني يا كساني كه با اهداف حركت اجتماعي موردنظر مخالفت مي‌كنند) و بالاخره اصل ديدگاهها يا اهداف جنبش (مجموعه‌اي از ارزش‌ها و مرجعيت‌ها و ايدئولوژي‌هاي موردنظر) مي‌پردازد.[2] و برآنست كه جنبش‌هاي اجتماعي سه وظيفه و كاركرد اصلي دارند. وظيفه واسطه‌گري ميان افراد مجموعه‌ها از يک سو با نهادها از سوي ديگر، وظيفه روشنگري، و وظيفه فشار بر نهادها و جامعه براي تحقق خواستها.

بنابراين جنبش‌هاي زنان كه طي سه دهه مطرح شدند، جنبش‌هايي با سازمانها و روابط مرجعيتي و كاركردي متعددي بودند همچنانكه با جريانهاي فكري و سياسي مختلفي از محافظه‌كار و سنتي گرفته تا تجدّدگرا و مدرن تا جريانهاي اسلامي و طرفدار گفتمان اسلامي بودند. اين دسته آخر در پي تغيير در مرجعيت خود و مطالبه برابري جنسيتي، آنچنانكه در مفهوم جنبش‌هاي زنان در غرب مطرح است، نبودند. برخي از اين جنبش‌ها پس از آن از جنبش‌هاي فكري نخبه‌اي به جنبش‌هاي مردمي زنان و با توان بسيج زنان و انجام مبارزات ملي اجتماعي، تبديل شدند.

وقايع سه دهه گذشته ثابت كرده كه حمايت‌هاي بي حد و مرز از زنان با هدف پايان بخشيدن به تمامي انواع تبعيض عليه زنان، بخش پنهان برنامه جهاني شدن را تشكيل مي‌داد. همچنانكه همدلي خارجي با مسايل زنان وجه ديگر رويارويي‌هاي سياسي با جوامع عربي و آن تصوير منفي و تاريک نهفته در بخش‌هاي گسترده‌اي از افكار عمومي جهان در ازاي جهان عرب و اسلام و فرهنگ و ارزش‌هاي آن بوده است. گرايشي هدفمند به بازسازي اندام جوامع عربي و اسلامي و آماده‌سازي آن براي مشاركت فعّال در بناي جامعه جهاني است زيرا زن در جوهره خود بمثابه ذخيره‌اي از ميراث فرهنگي ديني و تمدني و در عين حال روي ديگر بهداشت خانواده و جامعه در دو بعد توسعه‌اي و هويتي است.

پرسشي كه اينک مطرح مي‌شود : آيا معيارهاي رهايي نامشروط آزادي زنان و بازگرداندن موجوديت انساني آن در پرتو جهاني شدن، توانسته آنچنان ارتقاي انساني براي وي فراهم آورد كه راه را براي نوعي زندگي تجدّدگرا و پيشرفته و خلاقي براساس مكانيسم توسعه و پيشرفت فرد و جامعه، هموار سازد.

اين پرسش محور ورود به دنياي جهاني شدن و پيامدهاي آن بر واقعيت زنان است. به عبارت ديگر جايگاه زنان در جهاني شدن تا رسيدن به ديدگاههاي آينده‌نگرانه‌اي كه استراتژي هدفمندي براي صيانت و حمايت از زنان در برابر جنبش‌موهوم رهايي كه زن را تنها به ابزاري مادّي در خدمت ديدگاهها و گرايش‌هاي جهاني شدن تصوير مي‌كنند، چيست؟ اينها همه براساس مطالعات و پژوهش‌ها و نتيجه‌گيري‌هايي است كه كنفرانس‌ها و ميزگردها و نشست‌هاي بين‌المللي و منطقه‌اي كه پياپي پيرامون زنان تشكيل و برگزار شده است ارايه داده‌اند. اين نكته مستلزم درنظر گرفتن چندين محور

است :

1ـ تعريف "جهاني شدن".

2ـ پيامدهاي "جهاني شدن".

3ـ جايگاه زنان در روند "جهاني شدن".

4ـ ديدگاه اسلامي نسبت به زن.

5 ـ جايگاه زنان در بيداري اسلامي (ديدگاه آينده‌نگرانه).

يكم : تعريف "جهاني شدن" :

سخن از جهاني شدن در پي فروپاشي اتحاد شوروي در سال 1990م. و همراه با بروز مجموعه‌اي از پديده‌هاي سياسي و حياتي و يک سري انديشه‌هاي نوين و پيشرفت‌هاي فناوري كه جهاني را به همبستگي و ارتباطات و نزديكي بيشتر مي‌كشاند و از فاصله‌ها مي‌كاست، گسترش بيشتري پيدا كرد. اصطلاح "جهاني شدن" از ترجمه واژه يا اصطلاح انگليسي"Globalination" به معناي قراردادن چيزي در سطح جهاني، گرفته شده و سپس به فرانسه به شكل Mondalisaition برگردانده شد و سپس با سه عنوان "جهان‌گرايي"، "زمين‌گرايي" و "جهاني شدن" وارد زبان عربي [و فارسي] شد. به لحاظ لغوي، به مفهوم تعميم چيزي و گسترش دايره آن تا شمول كل جهان است.

در اينجا ناگزير بايد اشاره كرد كه تعريف واحد و جامعي از "جهاني شدن" وجود ندارد. اين اصطلاح، چندين شكل بخود مي‌گيرد و به چندين صورت و فرم درمي‌آيد. به عبارت ديگر "جهاني شدن" واحدي وجود ندارد و ما با جهاني‌شدنهاي متفاوتي روبرو هستيم : «جهاني شدن اقتصادي، فرهنگي، سياسي و علمي و ...»؛ از جمله تعريف‌هايي كه "جهاني شدن" بخود ديده، تعريف "رونالد روبينسون" است كه معتقد است: «به معناي فشار جهاني و كوچك‌سازي آن از يک سو و انگشت گذاردن آگاهي به آن به عنوان يک كل از سوي ديگر است.»[3]

"عبدالاله بلقزيز" فرهنگ جهاني شدن را «عملي غصبي فرهنگي و تجاوزگرانه و سمبليكي نسبت به ديگر فرهنگها در ديگر جوامعي كه روند جهاني شدن به آن مي‌رسد، مي‌شناسد[4] و "محمد شيا" آنرا «سيلان و هجوم آزاد كالاها و اموال و خدمات و انديشه‌ها در بازار و مرزها بدون هيچ مانع و رادعي» مي‌داند.

[5] و در ميان پژوهشگران، كساني آنرا به عنوان «تداخل امور سياسي، اقتصادي، علمي و فرهنگي و سبک زندگي ملي با امور جهاني يا بين‌المللي بگونه‌اي مي‌دانند كه هويت فرهنگي و ملي را متلاشي مي‌سازد.»[6] حال آنكه "ولفگانگ راينيكي" آنرا:«پديده تكامل ميان جنبه‌هاي اندامي و استراتژي شركتهايي كه فعاليت‌هاي فني و اطلاعاتي و تبديلي آنها به قصد تحقق رقابت بين‌المللي، از مرزهاي جهاني فراتر رفته است.»[7]

در بعد ايدئولوژيک، "جهاني شدن" مي كوشد تا فرهنگ خود را در خدمت به اهدافي كه براي خود درنظر گرفته است در راستاي شكل‌دهي به منظومه رفتارها و ارزش‌ها و گرايش‌ها بسازد و مي‌كوشد فرهنگ‌ها و ارزش‌هاي تمدني و انواع رفتاري فرهنگ‌هاي ديگر را به لحاظ سمعي، بصري و مصرفي و سياسي از طريق انگشت گذاردن بر فردگرايي بدون هويت اجتماعي و قومي و در جنگ با حافظه ملي و تاريخ، ارثيه فرهنگي و اجتماعي و ديني را درنوردد و پشت‌سر گذارد. "جهاني شدن" شبيخون فكري و فرهنگي و كوششي براي بخاک سپردن هويت فرهنگي با استفاده از نظام‌هاي دموكراتيک و تحميل آزادي جابجايي و گشايش بازارها و ظهور مجموعه‌ها و كارتلهاي بسيار بزرگ اقتصادي با ظهور مفاهيم جديدي چون : دموكراسي، آزادي زنان، حمايت از محيط زيست، بهداشت باروري، رفاه اجتماعي، شناخت، خلاقيت، حقوق بشر و غيره است.

"جهاني شدن" امروزه با استراتژي احياي ليبراليسم اقتصادي كلاسيک برابري مي‌كند و شكل تطبيق دقيق و طابق النعل بالنعل برنامه جهاني شدن ليبرالي مبتني بر تأكيد بر حق تقدّم منطق اقتصادي در بازسازي روابط بين‌الملل و تحقق هماهنگي ميان منافع گروهها و خلق‌ها بخود مي‌گيرد.

و بدين ترتيب و با شتابي كه درک آنرا مشكل مي‌كند، "جهاني شدن" به مفهوم ذوب شمار بزرگي از اقتصادهاي روستايي، منطقه‌اي و ملي در اقتصاد جهاني فراگيري است كه جايي براي كاهلان و كم‌تحركان در آن وجود ندارد. اين جهاني شدن را كساني رهبري مي‌كنند كه توان رويارويي با طوفانهاي سركش رقابت را دارند [اقتصاددان معروف ادوارد لتوک (Luttwak Edward) عصر جديد را اينگونه توصيف مي‌كند.][8]

بدين ترتيب نداي عصر جديد چنين شد : "هركس مي‌تواند، خود را نجات دهد" يا به گفته mc scott nenly[9] : «يا مي‌خورد يا خوري‌مي‌شوي.» و در توضيح مي‌گويد: «كره خاكي ما تابع فشاري است كه دو نيروي متضاد و بزرگ يعني "جهاني شدن" و فرپاشي، ايجاد مي‌كنند.»[10]

دوم : پيامدهاي "جهاني شدن":

ـ ويژگي‌هاي اصلي "جهاني شدن" در رهاسازي تجارت بين‌المللي و گسترش سرمايه‌گذاري‌هاي خارجي و ظهور حركتهاي بزرگ مالي در گذر از مرزها و شكل‌گيري رقابت در بازارهاي جهاني برخاسته از تأثير مشترک دو عامل اصلي يعني : تصميمات مربوط به سياست‌هاي بين‌المللي و اثر فناوري‌هاي جديد بويژه

در عرصه اطلاعات و ارتباطاتي كه انگشت شاخص خود را بر روند جهاني شدن كنون برجاي گذارده است.

در اين راستا، موانع طبيعي مربوط به زمان و مكان كاهش يافت و هزينه‌هاي جابجايي اطلاعات، مردم، كالاها و سرمايه‌ها بر روي كره زمين شديداً تقليل پيدا كرد. در همان حال ارتباطات جهاني بسيار ارزان و فوري و به سادگي قابل استفاده شد و اين امر منجر به گسترش سرسام‌آور امكان اجراي معاملات اقتصادي در جهان گرديد.

ـ فناوري جديد منجر به ايجاد تغيير در مزيت نسبي بين‌المللي و دانش و شناخت را يكي از عوامل مهم توليد و از منابع بسيار پراهميت قدرت و ثروت ساخت بخش‌هاي مرتبط و متكي به شناخت‌هاي فشرده و فناوري‌هاي بسيار دقيق، بيشترين نرخ رشد را در اقتصاد جهاني پيدا كردند و اين روند البته واكنش‌هاي خود را بر ديگر بخش‌هاي اقتصاد جهاني و ايجاد اختلالهاي شديد در توازن ميان شمال و جنوب ـ به لحاظ فرصت‌هاي دستيابي به دانش و فناوري ـ بجاي گذارد.

سرچشمه تمامي انواع فناوري‌هاي نوين به شمال [كشورهاي ثروتمند سرمايه‌داري] يعني جايي باز مي‌گردد كه بخش‌هاي اعظم پژوهش‌ها و پيشرفت‌ها انجام مي‌شود. و اين يكي از منابع مهم سلطه كارتلهاي چندمليتي بر بازارهاي جهاني و نيروي چانه‌زني آنها در برابر دولت‌هاي كشورهاي روبه رشد را تشكيل مي‌دهد.[11]

ـ جهاني شدن كنوني محصولات نامتعادلي در كشورها به ارمغان مي‌آورد. در اين ميان ثروتهايي وجود دارد كه ايجاد مي‌گردد ولي كشورها و خلق‌هاي زيادي هستند كه مشاركتي در سود و منافع آنها ندارند. توزيع منافع ميان كشورها با ميزان بسيار زيادي از نابرابري همراه است. كشورهاي صنعتي با توجه به شالوده نيرومند اقتصادي كه از آن برخوردارند و فراواني سرمايه و مهارتهايي كه در آنها يافت مي‌شود و با توجه به عرصه‌هاي پيشرفته‌اي از فناوري كه در آن قرار دارند، به گونه بهتر و برتري آماده دريافت مزاياي بزرگي از افزايش جهاني شدن اقتصاد جهاني هستند و در طرف مقابل، كشورهاي كمتر رشد يافته اسير دورباطلي هستند كه عناصري چون : فقر و بيسوادي و محروميت از مزاياي جغرافيايي و سوءمديريت از عناصر شكل‌دهنده اصلي آنند؛ علاوه بر اين بار بدهي‌هاي فزاينده خارجي نيز مطرح است.[12] گزارش صادره از سوي سازمان ملل متحد (اسكوا) نشان مي‌دهد كه كشورهاي (اسكوا) در سال 2011م. با خطر افزايش نرخ بيكاري و توقف ورود سرمايه‌گذاري‌هاي مستقيم خارجي و سرمايه‌گذاري‌هاي ناگهاني مالي يا خروج اين سرمايه‌گذاري‌ها از اين كشورها، روبرو مي‌شوند. همه كشورهاي (اسكوا) در سال 2011م. در معرض تأثيرپذيري از كاهش رشد قرار خواهند گرفت بگونه‌اي كه توان بازپرداخت بدهي آنها تضعيف مي‌شود و در معرض افزايش بدهي‌هاي دولتي قرار مي گيرند.[13]

ـ جهاني شدن به مسايل بسيار گسترده‌اي دامن زد. نرخ بيكاري و نرخ متوسط تفاوت درآمدها، بالا رفت. بخش اعظم جهان به جهان فقر و فاقه تبديل شد. جهاني با برخي شهرهاي بزرگ ثروتمند با محله‌هاي بزرگ ديگري سرشار از فقر و گرسنگي. گزارش سازمان ملل متحد نشان مي‌دهد كه بخش بزرگي از جمعيت،

زير خط فقر زندگي مي‌كنند و (مناطق اسكوا) همچنان از تحقق هدف مورد نظر خود در كاستن 50٪ از جمعيت گرسنه و نيز فراهم آوردن كار كامل و توليدي و شرافتمندانه، فاصله بسيار زيادي دارد. نمودارهاي مربوط به جوانان و انواع اجتماعي، مايه "نگراني‌هاي جدي" است؛ اين منطقه در مسئله كاستن از فقر درآمدها هيچ پيشرفتي بدست نياورده است، بيكاري در بخش اعظم بازارهاي كشورهاي عربي رايج شده و مسئله در مورد دختران جوان بسيار بدتر از اين هم هست.[14]

سوم : جايگاه زنان در روند "جهاني شدن" :

حقيقت كارزاري كه در زمان و مكان ادامه دارد و سطوح مختلفي را شامل مي‌شود و زنان در پرتو جهاني شدن و با هدف تحقق رهايي غيرمشروط دنبال مي‌كنند به نتيجه‌گيري‌هاي متنوعي به لحاظ ارزش و جايگاه زنان تا حدّ بي‌حرمتي به موجوديت و نيروها و توانايي‌ها و پتانسيل‌هاي نهفته آنان منجر شده است؛ وقايع موجود در دو بُعد مادي و معنوي ثابت كرده كه اين كارزار همچنان برقرار، هرگز كيفيت زندگي انساني مورد نظر را براي زنان به ارمغان نياورده است. همچنانكه نشانگر آنند كه گرايش‌هاي جهاني، درجهت سركوب شخصيت اصيل زنان بطوركلي و زنان مسلمان عرب بطورخاصّ با مشوّه ساختن و تحريف چهره حقيقي كه اديان آسماني از زن ارايه داده‌اند، حركت كرده است. بدين ترتيب زن تبديل به عنصر دفاعگري شد كه همواره بايد موجوديت خود را براي قدرت حاكمي كه جهاني شدن نماينده آنست، و ارزش و انگيزه‌ها و رفتارهاي او را رقم مي‌زند، ثابت كند. در اين ميان كوشش مي‌شود چهره حقيقي زن ازنظرها پنهان بماند و ويژگي‌هاي فردي شخصيت وي در آنسوي مفاهيمي چون : برابري دو جنس و پايان بخشيدن به تمامي انواع تبعيض عليه زنان و امكان دادن به زن، ذوب گردد؛ نگاهي به برخي پديده‌هاي اجتماعي نشانگر آنست كه چگونه زنان بجاي دستيابي به حقوق خود و مشاركت در ارتقا و تكامل، تبديل به "چيز" يا "كالايي" در مفاهيم تجارت دنياي نوين شده‌اند.

1ـ در روزنامه السفير شماره 12/5/2005 اطلاعات مهمي از آرشيو دفتر بين‌المللي كار در گزارش صادره به تاريخ 11/5/2005م.(به نقل از اف ب) با عنوان: "ائتلاف بين‌المللي عليه كارهاي اجباري" مي‌خوانيم :

دست‌كم 12 ميليون و سيصدهزار نفر قربانيان كارهاي اجباري در جهان هستند. آنها درآمد سالانه‌اي به ارزش 32 ميليارد دلار براي كساني كه استخدامشان كرده‌اند، تأمين مي‌كنند. اين "بيماري اجتماعي" ـ آنچنانكه گزارش از آن ياد مي‌كند ـ بويژه شامل آسيا هم مي‌شود و در سرتاسر جهان گسترش يافته است؛ اين گزارش اشاره مي‌كند كه 56٪ از كاركنان اجباري از ميان زنان و دختران هستند و 40٪ از كودكاني كه سن آنها بيش از 18 سال نيست هم شامل آنها مي‌شود. بخش اعظم قربانيان (يعني 9ميليون و 800هزارنفر از آنها) به عنوان خدمتكار يا كشاورز براي يک نفر كار مي‌كنند و شمار قربانيان تجارت برده نيز به 2ميليون و 400هزارنفر رسيده است.

اين گزارش حاكي است كه كار اجباري، مسئله اي جهاني است و جنبه پنهان دارد و با تعهد از درون، بخشي از اقتصاد را تشكيل مي‌دهد. كار اجباري در بخش‌هاي كشاورزي وساختمان هردو جنس زن ومرد را بطور مساوي دربرمي‌گيرد ولي بهره‌برداري تجاري غالباً شامل زنان و دختران مي‌گردد.

2ـ در روزنامه لبناني النهار به تاريخ 2/4/2005م. (اين بار از قلب اروپاي متمدن و كهنسال) مي‌خوانيم: دفتر آمار سوئد مي‌گويد كه سوئدي‌ها در سال 2004م. 9/2 ميليارد كرون (معادل 4 ميليون و 410هزار دلار) بابت تجارت مواد مخدر و روسپيگري هزينه كرده‌اند. لازم به يادآوري است كه گرايش‌هايي براي خانگي كردن روسپي‌گري و فاحشگي صورت مي‌گيرد و تلاش مي‌شود به اينكارها با تصويب قوانين و مقرراتي در راستاي قانوني كردن اين حرفه، جنبه قانوني و مشروع داده شود.

ما در اينجا در برابر پديده بزرگي هستيم كه فكر و ذكر مردم را بخود جلب كرده است. رشد و افزايش تجارت مواد مخدر به عنوان جرثومه فجور و فساد در اين زمانه، نشانگر وجود هرج و مرج فرامدني است كه جوامع انساني (اعم از مرد و زن) را دستخوش خود ويرانگري و از آنجا ويراني جامعه مي‌سازد.

پرفسور "عباس مكي" مي‌گويد : «توجه به مشروبات الكلي و دخانيات و مخدرات، ابزارهاي دهاني و دارويي براي ورود به رفتارهاي مصرفي جنسي و روسپيگري و فاحشگي و دربردارنده نتايج ويرانگري براي عرضه‌كنندگان اين خدمت سياه و متقاضيان آنست و البته در كنار آن سود حاصله و درآمدهاي آن اساساً به سود مافياهاي اين كالاهاي خدماتي به اصطلاح "جنسي" يا "سكسي" در ادبيات توريستي و هتلداري معاصر است.»[15]

3ـ زمان در محدوده جامعه بحران‌زده‌اي زندگي مي‌كنند كه "جهاني شدن" با سردادن شعار برابري زن و مرد رقم زده و به آنجا رسيده كه زنان در پي ايفا نقش‌هاي سنتي مردان برآمده و مدعي توانايي ايجاد جايگزين‌هايي براي بنا و شكل دهي به خانواده خارج از روابط مشروع (ازدواج) يا نامشروع (معاشرت بدون ازدواج) است. محيط فناوري معاصر با پروژه‌هاي بسيار بي‌باكانه خود در پي ايجاد انواع خانواده‌هاي جديدي است؛ اين امر عملاً در جهان پيشرفته يعني در ايالات متحده آمريكا و اروپا و در برخي مناطق آسيا و آمريكاي لاتين اتفاق افتاده است. چه بسا پروژه "تباهي زندگي بشري" اينك جوامع عربي و اسلامي ما را به اشكال گوناگون يا غيرقانوني درمي‌نوردند، پروژه‌هاي "تباهي زندگي بشري" در بعد رواني و ارتباطي در منظومه خانواده برخاسته از اين نوع خانواده، خطرات فوق‌العاده‌اي در بر دارد و پيچيدگي‌هاي زيادي در رابطه ميان پدر و مادر و پدر و مادر و فرزنداني كه در ژن‌هاي خود با آنها اشتراكي ندارند زيرا از "پشت" پدر ومادر خود زاده نشده‌اند، مطرح مي‌سازد؛ مسئله مسؤوليت اخلاقي مربوط به درهم‌آميزي خويشان تحت تأثير اختلاط بيولوژيک افراد مختلفي كه هيچ پيوندي با يكديگر ندارند نيز مطرح است.

اينها همه در كنار سردي عاطفي و احساسي ميان اعضاي خانواده جديد و ميان اين خانواده وفرزندان براين اساس كه رابطه آنها اجتماعي ونه بيولوژيكي است، وجود دارد.

4ـ بهره‌برداري تبليغاتي از زن در موضوع "سكس" و تشويق به فحشا و جنايات اخلاقي در چارچوب دوستي‌هاي بين‌المللي كه بي‌عفتي و بي‌بندوباري‌هاي دو جانبه را فعّال‌تر مي‌سازد. اين بي‌عفتي‌ها همزمان با شكل‌گيري كانال‌هاي تلويزيوني ماهواره‌اي كه فيلم‌ها و صحنه‌هايي كه از نزديكي جنسي و فراخوان به تماس تلفني براي داشتن ساعاتي از لذت از طريق تلفن، گسترش بيشتري يافته است؛ اين پديده هم يک شكل اجتماعي و هم به صورت مشكلي مادي درآمده و علاوه براين فشارها و تنش‌هاي رواني تحريک‌آميز و خطرناكي را در بعد رفتارهاي بيمارگونه و جنايي، بدنبال داشته است.

5 ـ دفتر سازمان بين‌المللي كار در نشريات سال 2005م. خود اشاره به اين دارد كه خدمات خانگي، كار نخست دختران زير شانزده سال در جهان را تشكيل مي‌دهد كه واقعاً مايه نگراني است يادآوري مي‌شود كه چيزي حدود ده ميليون نفر از اين افراد، قربانيان چنين بهره‌برداري از جمله شكنجه و تجاوزهاي جنسي قرار مي‌گيرند.

6ـ خلاصه كردن زن به عنوان اندامي كه يكي از عناصر اصلي بازار در دوران جهاني شدن را تشكيل مي‌دهد. اندام [زن] از گرمي و خصوصيتي كه بدنبال لذت حلال است تبديل به جسم سرد و بي‌روحي شده كه به عنوان انرژي مبادله اقتصادي در فضاي تشويق و تهديد، عمل مي‌كند. با اين تبديل و تحول، جسم از مهارت توليد قدم به مهارت اقتصاد سكس گذارده است. اين امر با رشد و توسعه مافياي "بردگان سفيد" [روسپي‌ها] ـ كه سالیانه حدود 7 ميليارد دلار عايد مافياي خود مي‌كند ـ همراه شده است. اين بازار دومين بازار سياه پس از تجارت مواد مخدّر را تشكيل مي‌دهد و خود نشانگر دردها و رنج‌هايي است كه بشريت در تمدن جهاني شدني كه زيربار هيچ نوع كنترل و مانعي نمي‌رود؛ از آن رنج مي‌برد. مجله Le nouvel Observateur گروهها اختيار در (بلوند سفيدپوست) اروپايي دختران تجارت كه سازدمي خاطرنشان و مافياهاي آلبانيايي است و جنايتكاراني كه از اين زنان و دختران سوءاستفاده مي‌كنند با آژانس‌هاي استخدام سازمان يافته‌اي همكاري مي‌كنند كه محرمانه به حساب مافياهاي پنهان عمل مي‌كنند كه خود نرخ شغل روسپيگري را تعيين مي‌كنند. اين مافياها در نهايت خشونت و وحشيگري اقدام به ربودن و مصادره دختران داوطلب استخدام در اين آژانس‌هاي وهمي مي‌كنند و غالباً هم دختران را وادار به پذيرش حرفه روسپيگري مي‌نمايند.

7ـ همزمان با پديده رشد و توسعه تمدني و به عنوان نتيجه حركت تغييري كه زنان بدان فرامي‌خوانند، پديده همجنس‌گرايي(ازدواج دو هم‌جنس با يكديگر) مطرح شده است؛ در سطح رسمي در ايالات متحده آمريكا كوشش‌هاي گسترده‌اي براي حمايت از حقوق هم‌جنس‌گرايان و حمايت از ايشان بعمل آمده است. در چندين كشور اروپايي و نيز برخي ايالات متحده آمريكا قانون ازدواج،ارث و فرزندخواندگي براي هم‌جنس‌گرايان

و هم‌جنس‌بازان تدوين شده است.

8 ـ ما با ظهور پديده فرزندخواندگي به حساب كنترل زاد و ولد و با شعارهايي از جمله بهداشت زاد و ولد، در برابر بمب بسيار پيچيده‌اي كه مي‌رود تا خصوصيت ذاتي بشريت (مردان ـ زنان / نر ـ ماده) را بكلي ويران و تباه سازد روبرو هستيم. نتايج و پيامدهاي اين پديده تنها محدود به بي‌هويتي و بي‌عاطفي فرزندان و به حاشيه راندن بزرگسالان نمي‌شود و شامل ارزش‌ها و ميراث فرهنگ ديني نيز مي‌گردد.

9ـ نمايش‌هاي جنسيتي كه در پيوند با تبليغات و فرهنگ مصرفي است و عبارت از بهره‌برداري از اندام [زنان] در همه ابعاد خود براي فروش كالاي مصرفي در چارچوب روند بازتاب شرطي پيچيده است؛ كوشش مي‌شود تا رابطه زنان با جسم خود كه در واقع مجموعه‌اي پيوسته با مجموعه‌هاي ارزش‌ها و نقش‌ها و داده‌هاي فرهنگي است، حضور مادي و مصرفي هدفمندي بخود بگيرد و براي هرگونه سوءاستفاده و بهره‌برداري همچون هركالاي ديگري در بازار و براساس عرضه و تقاضا مطرح مي‌شود. خانم دكتر "امينة خميس الظاهري" با استناد به پژوهشي كه در مورد تصوير زن در ترانه‌هاي جوانان عربي خليج‌فارس انجام داده مي‌گويد: «بيشتر ترانه‌ها و آهنگ‌ها، زنان را در لباس‌هاي دوره ويكتوريا ـ كه هيچ ربطي به جامعه عربي ندارند ـ نشان مي‌دهند همچنانكه زنان در بيشتر تصاوير آهنگ‌هاي ارايه شده با لباس‌هاي عجيب و غريبي نشان داده مي‌شوند و زنان در يک آهنگ چندين بار لباس عوض مي‌كنند و گويي سالن عرضه مد لباس مطرح است. از اين سخن روشن مي‌شود كه الگوي غربي چه در شكل زن يا در لباس او، الگوي مطلوب و تعميم يافته و گسترش يافته‌اي از طريق رسانه‌هاي گروهي مردمي و فراگير است و زنان عرب مي‌كوشند به عنوان الگوي امروزي، از آن تقليد كنند. به نظر مي‌رسد كه رسانه‌هاي گروهي ما را قانع كرده‌اند كه اين زيباترين نمونه‌اي است كه بايد از سوي ديگر زنان جهان نيز تقليد شود و اين چيزي است كه معتقدات و هويت زنان عرب را در پرتو جريانهاي جهاني شدني كه مي‌رود تا جوامع ما را درنوردد، تهديد مي‌كند.»[16]

چهارم : ديدگاه‌هاي اسلامي نسبت به زن :

زن در اسلام بيانگر نمونه ايده‌آلي براي وضعيت تعادل و شناسايي همه جانبه موجوديت انسان در همه صورتهاي آنست. در شخصيت زن مسلمان تمامي نمودهاي ترقي و موجوديت مستقل و اراده شخصي و آزادي انتخاب و آزادي تصميم‌گيري برخاسته از كنترل دروني متكي به قوانين الهي، نمود پيدا مي‌كند. قوانيني كه بالاترين سطح تجليل و احترام به موقعيت و جايگاه زنان را تحقق مي‌بخشد. جايگاه شخصي، اجتماعي، خانوادگي، زناشويي و اقتصادي در چارچوب قانونمندي‌ها و احكام شرعي الهي و تضمين حمايت و مراقبت از حقوق او.

ارزش زن در آنچيزهايي است كه اسلام به صورت توانايي‌ها، انگيزه‌ها، تمايلات و احساسات اصيل در وي بوديعه نهاده و هركدام موجوديت فردي و رشديابنده‌اي به وي مي‌بخشد كه شباهتي به ديگران ندارد. شناسايي همه جانبه زن در اسلام در چارچوب حقوق و احكامي صورت مي‌گيرد كه بطور خلاصه بازيابي كامل همه اعتبارات انساني است و به نوبه خود راه را بر شكل‌دهي به نوعي زندگي پويا و خلاق و پيشرفته هموار مي‌سازد و بدين ترتيب زن تبديل به عامل اصلي اعتلاي رواني و ساختاري و كاركردي و اجتماعي جامعه به عنوان نيمي از جامعه و حتي سازنده و شكل‌دهنده جامعه مي‌گردد.

حقوق زن در اسلام :

1ـ حق زن در حيات:

زن در جامعه جاهلي [پيش از اسلام در شبه جزيرة‌العرب] روشن‌ترين مثال اهانت و تحقير را بخود ديد. او در همه ابعاد جنس، جسد، انديشه، توليد و جايگاه تحقير مي‌شد و در شخصيت و صورت او تمامي تناقض‌هاي آن جامعه، تجلي پيدا مي‌كرد. او بهترين تعبير كوتاهي، عقده خودكم‌بيني و ننگ بود و در شخصيت وي بدترين حالتهاي بي‌ارزشي گردآمده بود و كم‌ارزشي او لزوم زنده‌بگور كردن آنها بنابه دلايلي كه ريشه‌هاي اقتصادي، اجتماعي و رواني داشت، توجيه مي‌كرد. ريشه اقتصادي‌اش در هراس از فقر بود كه دختر باري بر دوش خانواده بشمار مي‌رفت. ريشه اجتماعي‌اش در ننگ و رسوايي بود كه در صورت ناهنجاري رفتاري‌اش مي‌توانست نصيب خانواده و در تقابل با سنت‌هاي آن شود و به لحاظ رواني احتمال مورد حمله قرار گرفتن قبيله و قرارگرفتن زنان در معرض تجاوز و غارت و اسارت در جنگها و درگيري‌هاي قبايل وجود داشت.

اسلام اين آيين پاک با رسالت جاودانه و شريعت آسان و قوانين جاودان خود آمد تا همه اين افسانه‌هاي جاهلي را نسبت به زن، نقش بر آب سازد و دلايل واهي آنرا محكوم كند. اين دين از طريق قرآن كريم، قانوني آسماني درنظر گرفت كه به موجب آن جايگاه زنان و شالوده‌هاي روابط و پيوندهاي دوجانبه، مشخص مي‌گردد. در اين قانون، زن داراي حق دوستي و مهرورزي است، داراي حق پذيرش يا عدم پذيرش است. اسلام در همه زمينه‌هاي حياتي حقوق بسيار گسترده‌اي براي زن قايل شد كه مهمترين آنها حق حيات زن است. اسلام تمامي نشانه‌هاي خشم و ناخرسندي از استقبال دختران بهنگام تولد را لغو كرد و خداوند متعال با اين آيه كريمه، همه اين مواضع را چنين به تصوير كشاند: «وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِالأُنثَى ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ * يَتَوَارَى مِنَ الْقَوْمِ مِن سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ أَيُمْسِكُهُ عَلَى هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ أَلاَ سَاء مَا يَحْكُمُونَ» (سوره النحل ـ آيات 58و59) (و هر گاه يكى از آنان را به دختر مژده آورند چهره‌اش سياه مى‌گردد در حالى كه خشم [و اندوه] خود را فرو مى‌خورد* از بدى آنچه بدو بشارت داده شده از

قبيله [خود] روى مى‌پوشاند آيا او را با خوارى نگاه دارد يا در خاك پنهانش كند وه چه بد داورى مى‌كنند.) خداوند متعال كردار زشت جاهليت را در اين آيه محكوم كرد: «وَإِذَا الْمَوْؤُودَةُ سُئِلَتْ ⋆ بِأَيِّ ذَنبٍ قُتِلَتْ» (سوره التكوير ـ آيات8 و9) (پرسند چو زان دخترك زنده بگور ⋆ به كدامين گناه كشته شده است.) و خداوند عزوجل خود اين نهي را اعلام كرده است: «وَلاَ تَقْتُلُواْ أَوْلادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلاقٍ نَّحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُم إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْءًا كَبِيرًا» (سوره الاسراء ـ31) (و از بيم تنگدستى فرزندان خود را مكشيد ماييم كه به آنها و شما روزى مى‌بخشيم آرى كشتن آنان همواره خطايى بزرگ است.)

2ـ حق برابري با مرد :

اين برابري در ارزش انساني و حقوق اجتماعي و مسؤوليت و جزاست و مبتني بر وحدت اصل، وحدت اهداف و حساب روز جزاست. استثناهاي وارده بر اين قاعده در ارتباط با تفاوتهاي زن و مرد در برخي ويژگي‌هاي آندو و در خدمت تكامل آنها با يكديگر و تحقق جانشيني [خدا بر روي زمين] است. بشريت بطور كلي يک خانواده است و در اصل آفرينش و شكل‌گيري خود ـ آنچنانكه در اين آيه الهي نيز آمده است ـ به يک نفس بازمي‌گردد: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُواْ رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُم مِّن نَّفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالاً كَثِيرًا وَنِسَاء وَاتَّقُواْ اللّهَ الَّذِي تَسَاءلُونَ بِهِ وَالأَرْحَامَ إِنَّ اللّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا» (سوره النساء ـ1) (اى مردم از پروردگارتان كه شما را از نفس واحدى آفريد و جفتش را [نيز] از او آفريد و از آن دو مردان و زنان بسيارى پراكنده كرد پروا داريد و از خدايى كه به [نام] او از همديگر درخواست مى‌كنيد پروا نماييد و زنهار از خويشاوندان مبريد كه خدا همواره بر شما نگهبان است.)

اين اقرار الهي در آفرينش مرد و زن از يک نفس، زنان را در انسانيت خود برابر با مردان قرار داده با همان حقوق و همان تكاليف و وظايف. در راستاي تأكيد بر اصل برابري و عدم تبعيض دو جنس با يكديگر، خداوند عزوجل با هر بار كه با امر و نهي يا وعده و وعيد ثواب و عقابي در چارچوب يک حكم الهي الزام‌آوري از مردان ياد كرده بلافاصله از زنان نيز ياد كرده است؛ آنچنانكه در اين آيه شريفه داريم: «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُم مَّغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا» (سوره الاحزاب ـ 35) (مردان و زنان مسلمان و مردان و زنان با ايمان و مردان و زنان عبادت‌پيشه و مردان و زنان راستگو و مردان و زنان شكيبا و مردان و زنان فروتن و مردان و زنان صدقه‌دهنده و مردان و زنان روزه‌دار و مردان و زنان پاكدامن و مردان و زنانى كه خدا را فراوان ياد مى‌كنند خدا براى

[همه] آنان آمرزشی و پاداشی بزرگ فراهم ساخته است.) و نیز آیه «أَنِّي لاَ أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِّنكُم مِّن ذَكَرٍ أَوْ أُنثَى بَعْضُكُم مِّن بَعْضٍ» (سوره آل‌عمران ـ 195) (من عمل هیچ صاحب عملی از شما را از مرد یا زن که همه از یکدیگرید تباه نمی‌کنم.) و آیه :«وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاء بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنكَرِ» (سوره التوبه ـ71) (ومردان و زنان با ایمان دوستان یکدیگرند که به کارهای پسندیده وا می‌دارند و از کارهای ناپسند باز می‌دارند.) چه بسیار شده که خداوند سبحان، کل بشریت را مورد خطاب قرار داده و منظورش زنان و مردان بوده است مثلاً در این آیه: «فَمَن يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ ★ وَمَن يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» (سوره الزلزلة ـ آیات7و8) (پس هر که هموزن ذره‌ای نیکی کند [نتیجه] آن را خواهد دید★ و هر که هموزن ذره‌ای بدی کند [نتیجه] آن را خواهد دید.) و همین آیه:« وَأَن لَّيْسَ لِلْإِنسَانِ إِلَّا مَا سَعَى ★ وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَى» (سوره النجم ـ 39و40) (و اینکه برای انسان جز حاصل تلاش او نیست★ و [نتیجه] کوشش او به زودی دیده خواهد شد.)

اين آيات كريمه الهي سرشار از اين دلالت هستند كه زن در اسلام همچون مرد، آفريده‌اي انساني است كه از همه مزايايي كه به او نيل به كمال انساني را عطا مي‌كند و به برترين جايگاهها مي‌رساند، بهره‌مند است ولي طبق ديدگاه اسلامي، نقش ميان زن و مرد براساس ديدگاهي تكاملي و همه‌جانبه چنان تقسيم شده كه هركدام ديگري را براساس نقش كاركردي خود در موازنه حيات، تكميل مي‌كند. اختلاف‌هاي ميان زن و مرد، اختلاف‌هايي حسابشده‌و متعادلي است كه در جهت تكامل هر دو جنس و ارتقاي آنهاست و درست نيست كه ما جايگاههاي مختلف اجتماعي را بر اين اساس كه اختلاف در جايگاه و ارزش است، تفسير و تعبير كنيم. اين اختلاف‌ها در ابعاد خود به تعادل و برابري آندو نزديكترند.

3ـ برابري در حقوق مدني :

شريعت اسلامي شمار زيادي از حقوق ويژه زنان را درنظر گرفته است از جمله احترام نظر وي در انتخاب همسري كه مي‌خواهد برگزيند و در همين راستا، اجازه ابطال ازدواج در صورت اجبار به پذيرش آن را داده است. شريعت اسلامي به زن تضمين‌هايي براي حمايت از حقوق وي و تحكيم مواضع او داده است. اين حقوق بعنوان حقوق الزام‌آوري براي مسلمانان درنظر گرفته شده است به اين اعتبار كه پيمان ازدواج، پيمان بسيار محكمي است كه زن و مرد هر دو بايد آنرا مورد احترام قرار دهند و مقدّس بشمارند. خداوند متعال مي‌فرمايد: «وَقَدْ أَفْضَى بَعْضُكُمْ إِلَى بَعْضٍ وَأَخَذْنَ مِنكُم مِّيثَاقًا غَلِيظًا» (سوره النساء ـ21)(با آنكه از يكديگر كام گرفته‌ايد و آنان از شما پيمانی استوار گرفته‌اند.) و نيز آيه :«هُنَّ لِبَاسٌ لَّكُمْ وَأَنتُمْ لِبَاسٌ لَّهُنَّ» (سوره البقره ـ187) (آنان برای شما لباسی هستند و شما برای آنان لباسی هستيد.) و بالاخره آيه :«وَلَهُنَّ

مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (سوره البقره ـ 228) (مانند همان [وظايفى] كه بر عهده زنان است به طور شايسته به نفع آنان [بر عهده مردان] است.)

اين آيات از جمله قواعد ثابت برابري ميان زن و مرد در تمامي حقوق و وظايف است. آنها بيانگر ترازويي هستند كه هريک از طرفين بايد ميزان رابطه ميان خود را بدان بسنجند و همين است كه در آخرين تحليل مقرر مي‌دارد حقوق ميان دوطرف متقابل است و آنها برابرند. زن و مرد همچنانكه در حقوق و اعمال مانند يكديگرند در ذات خويش، احساس و عقل نيز برابري دارند.

اسلام در حقوق اعطايي به زن، گشاده‌دستي زيادي بخرج داده است. به او حق تملک داده، حق انفاق و تصرّف در املاک خود را داده و آزادي توليد و بهره‌برداري از سرمايه‌ها، آزادي كار و دستمزدي كه درخواست مي‌كند، داده است؛ زن حق آموزش دارد و براي او فرصت‌هاي مشاركت و دستيابي به جايگاه و حضور اجتماعي داده است و به او آنچنانكه در آيه زير مطرح شده، حق مبايعت نيز داده است:« يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَى أَن لَّا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِينَكَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعْهُنَّ وَاسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ» (سوره الممتحنة ـ12) (اى پيامبر چون زنان باايمان نزد تو آيند كه [با اين شرط] با تو بيعت كنند كه چيزى را با خدا شريك نسازند و دزدى نكنند و زنا نكنند و فرزندان خود را نكشند و بچه‌هاى حرامزاده پيش دست و پاى خود را با بهتان [و حيله] به شوهر نبندند و در [كار] نيك از تو نافرمانى نكنند با آنان بيعت كن و از خدا براى آنان آمرزش بخواه زيرا خداوند آمرزنده مهربان است.) همچنانكه به زنان حق مشاركت سياسي عطا كرده است. به عنوان مثال بانو خديجه (عليهاالسلام) براي پيامبراكرم حضرت محمد(ص) وزير در اسلامش بود[17] و بدين ترتيب بانو خديجه، اولين زني است كه در جهان اين لقب سياسي يعني "وزير" را بخود اختصاص داده است.

4ـ حق مادري :

كه والاترين و برترين حقوق براي زن است؛ "مادري" يكي از نيرومندترين غرايز همه موجودات [ماده] بشمار مي‌رود. نيروي اين غريزه به وظيفه و كاركرد آن در حفظ نوع بازمي‌گردد. مادري ارزشي كاملاً اجتماعي در فرهنگ عربي و اسلامي و ستون خيمه پروژه وجودي زن بشمار مي‌رود زيرا همواره او را به عنوان "مادر فلان" مي‌شناسند. قرآن كريم در آيات زيادي از مادري سخن بميان آورده و به نيكي كردن و احترام به مادر فراخوانده است:« وَوَصَّيْنَا الْإِنسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَى وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ أَنِ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ» (سوره لقمان ـ14) (و انسان را در باره پدر و مادرش سفارش كرديم مادرش به او باردار شد سستى بر روى سستى و از شير باز گرفتنش در دو سال است [آرى به او سفارش كرديم] كه شكرگزار من و

پدر و مادرت باش که بازگشت [همه] به سوی من است.) و نیز این سخن الهي: «وَوَصَّيْنَا الْإِنسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا» (سوره الاحقاف ـ 15) (و انسان را [نسبت] به پدر و مادرش به احسان سفارش کردیم مادرش با تحمل رنج به او باردار شد و با تحمل رنج او را به دنیا آورد و باربرداشتن و از شیرگرفتن او سی ماه است.) و نیز آیه زیر که خداوند متعال از زبان پیامبرش حضرت عیسي (علیه‌السلام) می‌فرماید: «وَبَرًّا بِوَالِدَتِي وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا» (سوره مریم ـ32) (و مرا نسبت به مادرم نیکوکار کرده و زورگو و نافرمانم نگردانیده است.) این توصیه‌ها در جوهر خود بیانگر ستایش از رسالت مادري و اشاره به خطراتي که مادر در راه تحقق هدف والایي که با نقش خود به عنوان مادر در حفظ نوع و تداوم آن ایفا می‌کند، متحمل می‌گردد.

پنجم : جایگاه زنان در بیداري اسلامي (دیدگاه آینده نگرانه):

وقایع نشان داده‌اند که معیارهاي آزادي زنان و بازگشت به کیان انساني ایشان در آیین اسلامي نهفته است. آییني که توان تحقق اعتلاي انساني و زمینه‌سازي بناي نوعي والا، نوین و خلاق را که براساس آن مکانیسم رشد و توسعه شکل‌می‌گیرد، داراست. روند صیانت از حقوق زنان و حمایت از آنها در برابر حرکت برده‌داري که شعار "جهاني شدن" طي سه دهه گذشته منادي آن بوده است چیزي جز سلب ارزش زن و تبدیل شدن آن به یک کالا بجاي انسان و زندگي در جامعه‌بحران زده کنوني نیست. او در این جوامع درگیر زندگي پرتنش و هرج و مرجي است که سرانجام نیز به فروپاشي جامعه رفتاري‌اش منجر شده است. زن در توهم سعادت و رفاه زندگي می‌کنند و این توهَم نیز به نوبه خود بیش از پیش او را اسیر و برده خود می‌سازد حال آنکه راه حل دیگري که گریزي از آن نیست. گزینش جریان "بیداري اسلامي" با تمامي چالش‌ها، چشم‌اندازها و دیدگاههاي آینده‌نگرانه آنست. بیداري زن در پیوند با میزان ارتباط واژه "زن مسلمان" به عنوان اسم و فعل است. پیامدهاي حاصل از "جهاني شدن" در همه ابعاد، مسئله آگاهي در جوامع انساني و ضرورت درک حقیقت اسلامي را که وقایع مختلف ثابت کرده از هر حقیقت دیگري براي مردم در بازیافت تعادل و توازن امت مفید تر است، مطرح کرده است و اهداف این حقیقت در بعد کاربردي آنها حمایت از ارزش‌هاي حق و عدالت و احترام به حقوق بشر است زیرا خداوند متعال می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُم مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلاً» (سوره اسراء ـ 70)(و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا [بر مرکبها] برنشاندیم و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری آشکار دادیم.)

امت مسلمان در برابر چالش بزرگي در بازگشت به اصول خويش و ارزيابي واقعيت خود در پرتو كتاب خدا و سنت نبوي و مكتب ائمه اهل بيت (عليه‌السلام) و نقاط ضعف و علل آن قرار دارد؛ چالشي كه امت اسلامي ما در آينده قابل پيش‌بيني با آن روبرو مي‌گردد ميزان توانايي تفكيك عناصر زندگي در پروژه جهاني شدن و باز تركيب آن براساس رهنمودهاي اسلام و اصول آنست جهان اسلام در حال حاضر و بحمداﷲ سرشار از بيداري يكپارچه و سرتاسري است كه در همه گرايش‌ها و براي بخش‌هاي مختلف مردم در جهت درک اسلام و شناخت جنبه‌هاي حياتي آن و به سمت اجراي اصول و شريعت اسلامي در تمامي امور زندگي فردي و اجتماعي قابل لمس است ـ به اين اعتبار كه اسلام بنابه آيه شريفه ذيل، بيانگر هويت حقيقي كل بشريت است : «كُنتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللّهِ»(سوره آل عمران ـ 110)(شما بهترين امتى هستيد كه براى مردم پديدار شده‌ايد به كار پسنديده فرمان مى‌دهيد و از كار ناپسند بازمى‌داريد و به خدا ايمان داريد.) در اين ميان درک آگاهانه‌اي نيز از نقش انديشه ليبرال غرب ـ كه جهاني شدن يكي از سايه‌هاي تاريک آن بشمار مي‌رود كه كوشيده به ميان منظومه فرهنگي ديني، اجتماعي و سياسي مسلمانان نفوذ كند و شمار نه چندان اندكي از جوامع عربي و اسلامي را هدف قرار دهد و به آنها آسيب رساند ـ وجو دارد.

آگاهي فردي و اجتماعي نسبت به اهميت اين شبيخون برنامه ريزي شده و روال سركوب هويت اسلامي و تهي ساختن آن از محتواي مكتبي، نخبه‌اي از علماي ديني و روشنفكران و اصلاحگران را در جهت مخالفت با اين شبيخون و در نظر مكانيسم و راهكارهايي با هدف بازيافت انديشه و ديدگاههاي اسلامي و فراخوان امت اسلامي به همدلي و اتحاد و هم جوشي بيشتر و نزديكي مذاهب اسلامي به منظور آشنايي و شناخت يكديگر و براي رسيدن به برادري ديني مبتني بر اصول مسلم و موارد مشترک ثابت و ديني همه مسلمانان فراخواند. آنها از سازمانها و كنفرانس‌هاي اسلامي به عنوان خاستگاهي براي تحقق اين اهداف و ديدگاهها بهره‌برداري كردند، در اين ميان سايت جنبش‌هاي اسلامي و حوادث بزرگي كه در جهان اسلام اتفاق افتاد و مهمتر از همه پيروزي انقلاب اسلامي در ايران ـ كه براي تمامي جهانيان از اين سو تا آنسو ثابت كرد كه اسلام مي‌تواند اميدهاي ملت و خواستهاي او را به آزادي و استقلال تحقق بخشد و هرگونه پديده جديدي را در چارچوب سازماندهي سياسي و اجتماعي و اقتصادي جاي دهد. در اين راستا زن نيز نقش فشرده و متمدنانه‌اي در امور اجتماعي وسياسي اين حركت داشت بگونه‌اي كه امام خميني(قدس سره الشريف) مي‌فرمايد: «شما زنان، اين انقلاب اسلامي را به پيش برديد.»

بيداري اسلامي شماري از انديشمندان و پژوهشگران را به مطالعه خطرات نفوذ آن بر انديشه غربي و ليبرالي سوق داد. "جيف هينس" مي‌گويد : «اسلام بمثابه يک نظام ديني، اجتماعي و فرهنگي كوشيده تا جايگاه پيشگامي جهاني را داشته باشد و از طريق ايجاد يک جامعه ديني بين‌المللي، تبديل به ديني جهاني گردد.»[18]

در پرتو اين بيداري اسلامي بود كه يورش‌هاي رسانه‌اي سازمان يافته‌اي از سوي صهيونيسم جهاني

صورت گرفت که در آن اسلام و مسلمانان را به عنوان تروریست و افراط گرا و دشمنان تمدن تصویر مي‌کردند در پروتوکل‌هاي حکماي صهيون آمده است: «اگر طلا قدرت نخست ما براي سلطه بر جهان است، تبليغات و ابزارهاي رسانه‌اي بايد قدرت دوم ما باشد.»[19]صهيونيسم جهاني در بدست گرفتن رسانه‌هاي گروهي در جهان و کنترل بخش برنامه‌هاي آن در جهت خدمت به منافع خود موفق شد. همچنانکه توانست بر رسانه‌هاي گروهي امريکايي و اروپايي نيز که جملگي در پي مشوه ساختن چهره اسلام و مسلمانان و اتهام آنان به تعصب و عدم تسامح هستند، تاثير گذار باشد.

از جمله نمودهاي اين بيداري اسلامي، آگاهي بسيار زياد در ميان زنان مسلمان نسبت به برنامه‌ها و نقشه‌هايي است که در مورد آنها براي سلب انديشه، عقيده و موجوديت ايشان صورت مي‌پذيرد. اين آگاهي در بروز جنبش‌ها و فراخوانهاي زنان در سطح محل بين‌المللي به منظور دفاع از حقوق زنان براساس رهنمودهاي اسلام و مرجعيت اسلامي، تبلور مي‌يابد. تاکيد بر مرجعيت اسلام به معناي انزوا و عزلت گزيني نيست، گشودگي در برابر جهان و همراهي با آن در پرتو داده‌هاي فرهنگي عربي ـ اسلامي و مستند به اجتهادهاي روشنگرانه است. موقعيت زن در بيداري اسلامي با بهره‌گيري از شبکه‌هاي اجتماعي و گسترش آگاهي و شناخت و تبليغ مسايل زنان در دو سطح ديني و تشريعي و تاکيد بر ضرورت پاسداري از شالوده‌هاي اسلامي در ساماندهي روابط زنان و مردان و ارايه قرائت روشنگرانه‌اي از متون اساسي اسلامي (قرآن و حديث نبوي)، تجلي پيدا کرده است؛ زن در حال حاضر تبديل به عامل مهمي در بيداري اسلامي شده است زيرا حرکت او بر بخش‌هاي گسترده‌اي از مردم و در اهميت مقّيد ماندن به اصول مسلم ديني و ارتباط با انديشه مکتبي محمدي، تاثير دائمي دارد. اين نقش جهادي زنان مستلزم تحکيم و تقويت موقعيت آنان در مراکز تصميم‌گيري و نمايندگي سياسي است. قرائتي در جايگاه زنان در بيداري اسلامي نشان مي‌دهد که زنان مسلمان گامهاي مهمي در تاسيس نهادها و سازمانهاي خود و نيز فعاليت‌ها و دستاوردهايش و تبلور ديدگاهها و گفتمانش برداشته‌اند. ولي هرازگاهي از آنها خواسته مي‌شود که در گامهاي برداشته شده بازخواني خود را داشته باشند و ديدگاههاي خود را در اهدافي که اينان دنبال مي‌کند، اصلاح کنند. روند بيداري بيش از آنکه روندي فني و تکنيکي باشد روندي عميق و تودرتوست که در محتواي انديشه‌اي و فرهنگي آن نهفته است. اين نيز نيازمند مبارزه‌اي همزمان براي ارتقاي سطح آموزش و مبارزه با بيسوادي و پذيرش تجربيات سازمانهاي بين‌المللي و درافتادن به شبکه‌هاي بين‌المللي زنان و انتشار مطالعات و پژوهش‌هاي مربوطه و برگزاري ميزگردها و کنفرانس‌ها و ساماندهي حملات تبليغاتي مربوط به قانون حمايت خانواده و ارايه مشاوره‌هاي حقوقي و تشريعي و و مشارکت رسانه‌اي هدفمند در تکذيب مقوله‌ها، تفسيرها و تاويل‌هاي نادرستي است که اسلام را دين خشونت و معارض با آزادي و حقوق انسان تلقي مي‌کنند. اسلام ديني است که به تعدد گرايي، اختلاف ، اديان مختلف احترام مي‌گذارد و تاريخ خود بهترين گواه بر اين ادعاست، فرهنگ عربي ـ اسلامي که توانست براي بيش از چهارده قرن با فرهنگهاي ديگري که با آن تماس داشتند همرنگ شود مي‌تواند با تحولات فرهنگي، علمي و سياسي معاصر نيز همگامي داشته باشد و ارزش‌هايي را در تحکيم برابري و عدالت و آزادي و ديگر شالوده‌هايي که به انسان (اعم از مرد يا زن) اعتلا مي‌بخشد و او را به مراتب والاي کرامت و عزّت مي‌رسانند، تحقق بخشد.

منابع

1ـ قرآن كريم

2ـ توافقنامه پايان بخشيدن به تمامي انواع تبعيض عليه زن، گزارش‌هاي سايه در كشورهاي عربي، سازمان ملل متحد، كميته اقتصادي و اجتماعي غرب آسيا(اسكوا)، 2007م.

3ـ "محمدمهدي آصفي" : "التحديات المعاصرة و مشروع المواجهة الاسلاميه" (چالش‌هاي معاصر و پروژه رويارويي اسلامي)، مركز الحضارة لتنمية الفكرالاسلامي، چاپ اول، بيروت، 2008م.

4ـ "الامةالاسلامية و التحديات" (امت اسلامي و چالش‌ها)، معاونت فرهنگي مجمع جهاني تقريب مذاهب اسلامي، چاپ اول. تهران، 2004 م.

5ـ "بر فتنت مسيكه" "حقوق المرأة و الشرعة العالمية لحقوق الانسان"(حقوق زنان در شريعت اسلامي و اعلاميه جهاني حقوق بشر) موسسة المعارف، چاپ اول بيروت 1992م.

6ـ "البشر، بدرية، "وقع العولمة في مجتمعات الخليج"(تاثير جهاني شدن در جوامع خليج فارس)، تز دكتراي علوم اجتماعي، زير نظر "محمد شيا"، دانشگاه لبنان بيروت 2005م.

7ـ "محمدعلي تسخيري" ، "حول الصحوة الاسلامية" (پيرامون بيداري اسلامي) مجمع جهاني تقريب مذاهب اسلامي، چاپ اول، تهران 2005م.

8ـ "التقريرالعربي الثالث حول الاهداف التنوية للألفبة 2010 و آثار الازمات الاقتصادية العالمية علي تحقيقها"، (سومين گزارش عربي پيرامون اهداف توسعه هزار و پيامدهاي بحرانهاي اقتصادي جهاني بر تحقق آنها)، سازمان ملل متحد، اتحاديه عرب.

9ـ "الجنحاني"، "العولة و الفكر العربي المعاصر"(جهاني شدن و انديشه معاصر عربي) دارالشروق، چاپ اول، قاهره، 2002م.

10ـ "عبدا خلاق"، "الصحوة الاسلامية"(بيداري اسلامي)، دارسبيل الرشاد، چاپ اول، بيروت 1999 م.

11ـ "رسالة التقريب"(ماهنامه)، "مجمع جهاني تقريب مذاهب اسلامي"، تهران شماره رجب و شعبان 2005م.

12ـ "محمد تقي سبحاني" ، "شخصية المراة" (شخصيت زن)، مركز الحضارة لتنقية الفكر الاسلامي، چاپ اول، بيروت 2009م.

13ـ "عالمية الاسلام و العولمة"(جهانشمولي اسلام و جهاني شدن)، شانزدهمين كنفرانس بين المللي وحدت اسلامي، تهيه و تنظيم : طه مرقاتي، مجمع جهاني تقريب مذاهب اسلامي چاپ اول، تهران 2003م.

14ـ "العلواني، طه جابر"، "الخصوصية و العالمية في الفكر الاسلامي"(جنبه هاي خاص و جهاني انديشه اسلامي)، دارالهادي، چاپ اول، بيروت 2003م.

15ـ "عولمة عادلة : توفير الفرص للتجميع"(جهاني شدن عادلانه : فرصت سازي براي همگان)، سازمان بين المللي كار ، چاپ دوم، سويس، 2004م.

16ـ "العولمة و انواع الاجتماعي" (جهاني شدن و انواع اجتماعي) گزارش توسعه زنان عرب ، 2001م، كوتر، مركز المراة العربية للتدريب و البحوث.

17ـ"العولمة و تداعياتها علي الوطن العربي" (جهاني شدن و پيامدهاي آن بر جهان عرب)، مركز دراسات الوحدة العربية، چاپ اول ، بيروت 2004م.

18ـ عيسي زينب محمد، "أني فاطمة" (فاطمه هستم)،جمعيت خيريه بانو زينب(س)، چاپ اول ، بيروت 2004م.

19ـ "يوسف القرضاوي" الصحوة الاسلامية و حصوم الوطن العربي و الاسلامي"(بيداري اسلامي و مسايل جهاني عرب و اسلام)، دارالشروق، چاپ دوم ، قاهره، 2006م.

20ـ "مبادي توجيهية من اجل تعميم قضايا النوع الاجتماعي و تغريز فعالية آليات النهوض بالمرأة (اصول توجيهي براي تعميم مسايل اجتماعي و تحكيم فعاليت هاي مكانيسم رشد زنان) سازمان ملل متحد، كميته اقتصادي و اجتماعي غرب آسيا، (اسكوا)، 2007م.

21ـ المرأة في منطقة العربية : "واقع و تحيات و آفاق مستقبلية"(زن در منطقه عربي:

واقعيت‌ها، چالش‌ها و چشم اندازهاي آينده) كميته اقتصادي و اجتماعي غرب آسيا (اسكوا)، فشرده كميته زن، نشست سوم، ابوظبي ، 14-15 مارس 2007م.

22ـ "المرأة و قضاياها"(زنان و مسايل آنها) مجموعه نوبسندگان، مركز الحضارة لتنمية الفكر الاسلامي، چاپ اول ، بيروت ، 2008م.

23ـ " مسح للتطورات الاقتصادية و الاجتماعية في منظمة الاسكوا" (پيمايش تحولات اقتصادي و اجتماعي در سازمان (اسكوا))(2009-2010 م)، سازمان ملل متحد، كميته اقتصادي و اجتماعي غرب آسيا (اسكوا)

24ـ "مكي، عباس محمود"، كارشناسان روانشناسي جنايي. رشد جنايات اخلاقي معاصر، الموسسة الجامعية للدراسات و النشر و التوزيع ، چاپ اول بيروت 2007م.

25ـ "مكي، عباس محمود"، "دينامية الاسرة في عصرالعولمة"(پويايي خانواده در دوره جهاني شدن)، الموسسة الجامعية للدراسات و النشر و التوزيع ، چاپ اول ، بيروت ، 2007م.

26ـ "منتدي المرأة و الاعلام" (كلوب زن و رسانه‌ها)، چهارمين كلوب كنفرانس عربي، دوره امارت عربي متحدة، الوظبي، 2-3 فوريه 2002م.

27ـ "موقع المرأة العربية في عملية التنمية"(جايگاه زنان عرب در روند توسعه) كميته اقتصادي و اجتماعي غرب آسيا (سازمان ملل متحد)(اسكوا)، 2008م.

28ـ "زكي الميلاد"، "المسألة الحضارية"(مسئله تمدني) : مركز الحضارة لتنمية الفكر الاسلامي، چاپ دوم، بيروت، 2008م.

29ـ"الناصري، محمدباقر"،"محاضرات في‌الصحوة‌الاسلامية‌المعاصرة" (سخنراني‌هايي در بيداري اسلامي معاصر)، دارالزهرا، چاپ اول ، بيروت 1986م.

30ـ "وضع المرأة العربية"(2005)(اوضاع زنان عرب در سال 2005)، كميته اقتصادي و اجتماعي غرب آسيا (اسكوا).

[1]ـ (وضع المرأة العربيه 2005) سازمان ملل متحد، كميته اقتصادي و اجتماعي غرب آسيا (اسكو) صفحه 12.

[2] ـ "الان توران" نقد مدرنيسم، ترجمه (عربي) انور معيث ، شرايعالي فرهنگي جمهوري عربي مصر، 1998م. صفحه 305.

[3] ـ "رونالد روبينسون" : (جهاني شدن نظري و اجتماعي و فرهنگي و جهاني) ترجمه احمد حمود و نورامين، شرايعالي فرهنگ، قاهره، صفحه 27.

[4] ـ "جهاني شدن و پيامدهاي آن بر وطن" مقالهاي از عبدالجليل كاظم الوالي : "ديالكتيک جهاني شدن : از اختيار تا نفي" مركز مطالعات وحدت عربي، چاپ اول، بيروت 2003م.، صفحه 18.

[5] ـ البشر بدرية، "آثار جهاني شدن بر جوامع خليج فارس"، تز دكتراي علوم اجتماعي، دانشگاه لبنان، زيرنظر محمد شيا، بيروت 2005م.، صفحه 4.

[6]ـ همان منبع، صفحه 25.

[7]ـ همان منبع، صفحه 25.

[8] ـ پيتر مارتين، هانس/شومان هارالد: دام جهاني شدن، ترجمه (عربي) عدنان عباس علي، عالم المعرفة، شوراي ملي فرهنگ، هنر و ادبيات، كويت شماره 238 چاپ اول 1998، صفحه 57.

[9]ـ همان منبع ، صفحه 26.

[10]ـ همان منبع ، صفحه 68.

[11] ـ كميته جهاني بُعد اجتماعي جهاني شدن : جهاني شدن عادلانه: ايجاد فرصت براي همگان. سازمان بينالمللي كار چاپ دوم سويس، 2004م.، صفحه 28.

[12]ـ همان منبع، صفحات : 36 و 37.

[13] ـ آمارگيري تحولات اقتصادي و اجتماعي در منطقه (اسكوا) (2010ـ2009م.) سازمان ملل متحد، كميته اقتصادي و اجتماعي غرب آسيا (اسكوا)، صفحه 111.

[14] ـ سومين گزارش عربي پيروان اهداف توسعه هزاره 2010 و پيامدهاي بحرانهاي اقتصادي جهاني بر تحقق آنها. سازمان ملل متحد، اتحاديه عرب (گزارش فشرده اجرايي).

[15] ـ مكي عباس محمود كارشناس روانشناسي ـ جنايي (رشد جنايات اخلاقي معاصر) مؤسسه دانشگاهي مطالعات و انتشارات. چاپ اول بيروت 2007م.، صفحه 10.

[16]ـ "الظاهري، امنية خميس" ، تصوير زن در آهنگ‌هاي جوانان عرب خليج، (ويدئوكليپ‌ها)، چهارمين نشست زن عرب (زن و رسانه‌ها)، ابوظبي، 3ـ2 فوريه 2002م.، صفحه 146.

[17]ـ "علامه محمدباقر مجلسي" : بحارالانوار، مؤسسة الوفاء، چاپ دوم، 1983م. جلد16 ، صفحه 11.

[18] ـ امت اسلامي و چالش‌ها، چهارمين نشست كارشناسان سازمان كنفرانس اسلامي، مقاله‌اي به قلم "عماد افروغ"؛ (اسلام و جهاني شدن) مجمع جهاني تقريب مذاهب اسلامي 2004م.، صفحه 219.

[19] ـ همان منبع، مقاله‌اي به قلم : "صالح بن سليمان الوهبي"، (حملات تبليغاتي عليه اسلام و مسلمانان) صفحه 34.